



۲۰۱۹/۱۱/۲۳

دوکتور نوراحمد خالدی

## سومین جنگ پانی پت: ۱۴ جنوری ۱۷۶۱م

Third Battle of Panipat, 14 January 1761

دوکتور نوراحمد خالدی

### پیشگفتار و خلاصه

در سال ۱۹۸۱م زمانیکه در هند درس میخواندم سفری به امرتسر نمودم. وقتی قطار ترن حامل ما که از دهلی حرکت کرده بود به یک استیشن رسید چشمم از عقب شیشه کلکین ترن به یک لوحه بزرگ افتاد که اسم استیشن بروی آن نوشته شده بود "پانی پت Panipat". با خواندن این نام احساس عجیبی در من پیدا شد. این نام با حوادث بزرگ تاریخی برای کشور من معروف بود. از شکست و کشته شدن ابراهیم لودی آخرین سلطان پشتون تبار سلطنت دهلی در ۲۱ اپریل سال ۱۵۲۶م بدست بابر در این مکان، تا جنگ اکبر امپراطور مغولی هند با رهبر هندوی شمال هند ویکرماتا در پنجم نوامبر سال ۱۵۵۶م، و بالاخره تا جنگ معروف سوم پانی پت میان اردو های مرهته و اردو های احمدشاه ابدالی در ۱۴ جنوری سال ۱۷۶۰م که با پیروزی بزرگ احمدشاه ابدالی منجر گردید.

اولین دهه قرن هژدهم بود و قدرت امپراطوری مغولی هند بعد از حمله پادشاه فارس، نادر افشار و قتل عام دهلی، غارت دارائی ها بشمول بدست آوردن الماس کوه نور توسط او و پرداخت غرامت های سنگین سالانه دولت هند به او بشدت روبه ضعف رفته بود. علت دیگر ضعف امپراطوری مغولی خانه جنگیهای دربار مغولی بعد از وفات امپراطور اورنگزیب در سال ۱۷۰۷م برای احراز مقام امپراتوری صورت گرفت. حمله های متواتر احمدشاه ابدالی پادشاه افغانستان به شمال هند نیز در تضعیف قدرت امپراطوری مغولی هند عامل دیگر نزول قدرت امپراتوری مغولی شمرده میشود. اما مهمترین عامل را میتوان جنگیهای دانست که با اردو های مرهته از بیست و هفت سال تا آزمان دوام داشت.

با استفاده از این ضعف قوای مرهته به شمال هند حمله کرده دهلی را اشغال نموده رو بطرف شمال کرد و قوای شهزاده تیمورشاه پسر احمدشاه ابدالی و گورنر لاهور را شکست داده و تمام مناطق شرق دریای سند را تسخیر مینمایند. قوای مرهته در نظر داشتند تا از دریا سند عبور نموده پشاور، کابل و قندهار رانیز تسخیر کرده به

قلمرو امپراطوری مرهته اضافه کنند. پیشوای مرهته تصمیم داشت تا به امپراطوری مغولی هند خاتمه داده یک امپراطوری کاملاً هندو را در هندوستان تشکیل دهند.

با ترس از این آینده شاه عالم امپراطور مغولی هند به احمدشاه ابدالی نوشت و از او دعوت کرد با قوای خود به دهلی بیاید تا با مصیبت مرهته بتواند مقابله نمایند. در عین زمان رهبران مذهبی اسلامی شمال هند مانند مولوی شاه ولی و الله یک تعداد نوابهایی مانند نواب نجیب الدوله، و شجاع الدوله نواب آواد نیز از احمدشاه ابدالی دعوت نموده و عده دادند که مواد ارتزاقی و غیره نیازمندیهای اردوی او را فراهم میکنند. احمدشاه ابدالی از یکطرف برای پیشگیری از حمله مرهته به غرب دریای سند و به خطر افتادن پشاور، کابل و قندهار و از جانب دیگر برای رفع خطر سقوط شمال هند بدست مرهته و ایجاد یک امپراطوری هندو بالای مسلمانان شمال هند به دعوت مسلمانان شمال هند لیبیک گفته به هندوستان لشکرکشی میکند. بعد از اشغال مجدد پنجاب بجانب دهلی رو میکند و در منطقه پانی پت با اردوی بزرگ مرهته مقابل شده در جنگ عظیمی که بتاريخ ۱۴ جنوری سال ۱۷۶۰ رخ میدهد قوای مرهته را بطور کامل قلع و قمع نموده امپراطوری مغولی را دوباره به شاه عالم ثانی اعاده میکند و به افغانستان بر میگردد.

جنگ پانی پت در حالیکه یک جنگ تدافعی حیاتی برای احمدشاه ابدالی بود زیرا استقلال مملکت و دولت تازه پای او در خطر نابودی مواجه میشد، به همین منوال برای دفع خطر مرهته، یک جنگ تدافعی حیاتی برای مسلمانان شمال هند و امپراطوری مغولی هند نیز محسوب میگردد. احمد شاه ابدالی توانست هر دو خطر را برای همیشه مرتفع نماید.

این جنگ تلفات مخوفی بجا میگذارد، علاوه به آنکه بیش از ده هزار از افراد اردو های تحت امر احمدشاه ابدالی کشته میشوند، تلفات مرهته بسیار زیاد بوده شامل اکثریت اردوی آن است که از حدود شصت هزار تن تنها هفده هزار تن به خانه بر میگرددند. این روز خونین ترین روز در تاریخ هند لقب گرفته است.

### شرایط آنوقت هند:

مرهته یک گروه مذهبی هندو بودند که از مرکز خود در پونه در نزدیکی های بمبی قسمتهای بزرگ هندوستان را در مرکز و غرب اشغال کرده در جنگ سال ۱۷۰۳م قوای امپراطوری مغولی را در جنوب دهلی نزدیک آگره شکست داده بودند. باجی راو یکم در مقابل شاه مغولی از سیاست بنشین و منتظر باش استفاده میکرد. زمانیکه نادرشاه افشار به هند حمله کرد محمد شاه امپراطور مغول از باجی راو یکم درخواست کمک کرد اما باجی راو یکم پیشوای هندو های مرهته از کمک به شاه مغولی دهلی در جنگ کارنل در سال ۱۷۳۷م خود داری کرد. اما به مجرد عزیمت نادرشاه به فارس، باجی راو یکم بالای شمال هند حمله نموده قسمتهای زیاد شمال هند را اشغال کرد. بدین سان از نفوذ امپراطوری مغولی در هند بشدت کاسته شده بود.

در سال ۱۷۵۸ زعامت مرهته در دست پیشوا باجی راو دوم Peshwa Baji Rao در پونه بود که قوای او شمال هند و دهلی مرکز امپراتوری مغولی را تهدید میکردند. پیشوا باجی راو و مشاوران برهن او خیال سقوط کامل قدرت امپراطوری اسلامی مغولی و ایجاد یک امپراطوری هندو را در هندوستان بسر داشتند (کوشیک روی، جنگهای تاریخی هند: از اسکندرکبیر تا کارغیل، ص ۸۱). نواب نشین های مسلمان آواد و روهیلخند هر لحظه در خطر قوای مرهته قرار داشته مجبور به دادن باج به مرهته بودند.

در سال ۱۷۵۸ قوای مرهته تحت قوماندانی عمومی راغونرته راو (راغونراو) برادرپیشوا Raghunathrao و همراهی پسر پیشوا، بلاجی باجی راو Balaji Baji Rao پیشرفتهای زیادی در شمال غرب هند نموده پنجاب را اشغال کرده، تیمورشاه پسر احمدشاه ابدالی، والی لاهور و کشمیر، و قوماندان جهان خان را مجبور به عقب نشینی بطرف غرب دریای سند وپشاور نمودند. قوای مرهته لاهور، ملتان و سایر مناطق شرق اتک را اشغال کردند. پیشوا اعلان کرده بود که پسر هیجده ساله خود را به تخت امپراطور مغل مینشاند. این پیشرفتهای مرهته مسلمانان شمال هندوستان را بسیار متشوش نموده بود. رهبران مسلمانان شمال هند از جمله شجاع الدوله نواب آواد، نجیب الدوله رهبر قوم روهیله (پشتون) شمال هند، شاه ولی والله Shah Waliullah از علمای دینی و صاحب قلم و غیره مسلمانان شمال هند از احمد شاه ابدالی تقاضای کمک در مقابل مرهته نموده وعده پرداخت مصارف جنگی او را کردند. (همانجا، ص ۸۲). عالم گیر ثانی امپراطور مغولی نیز از ترس مرهته با ارسال مکتوب به قندهار از احمدشاه برای آمدن به دهلی و مقابله با مرهته که سلطه مسلمانان را بر شمال هندوستان تهدید کرده بودند حمایت کردند (میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، ص ۱۶۰). در عین زمان قوماندانهای مرهته خیالهای بزرگتری بر سر داشته در فکر تسخیر کابل و قندهار بودند. در نامه ای که راغونراو قوماندان کل قوای مرهته در حوزه دریای سند بتاريخ ۴ می ۱۷۵۸م به پیشوا ارسال میکند نگاشته بود:

"ما لاهور، کشمیر، ملتان و غیره اکثر صوبه های شرق اتک را اشغال کرده ایم و مناطق ای که در اختیار ما نیست بزودی اشغال میشوند. تیمور شاه پسر احمدشاه ابدالی و قوماندان جهان خان به پشاور عقب نشینی کرده قوای آنها تار و مار شده اند. ما تصمیم گرفته ایم تا نفوذ خود را تا قندهار تمدید کنیم" (کوشیک روی، جنگهای تاریخی هند: از اسکندرکبیر تا کارغیل، صفحات ۸۰-۸۱)

در این زمان که احمدشاه ابدالی مصروف جمع آوری قواء برای مقابله با قوای مرهته بود، پیشوای مرهته به راغونراو قوماندان قوای خود در حوزه سند دستور داد تا برای شکست نظام با بخش عمده قوای خود به جنوب هند برود. با عزیمت راغونراو به جنوب صرف پانزده هزار افراد سپاه مرهته در وادی سند باقیماند. احمد شاه ابدالی از این فرصت استفاده کرده بالای این قوا حمله نموده و آنها را شکست میدهد و مناطق از دست رفته را دوباره اشغال کرده در سال ۱۷۵۹ به لاهور میرسندو با اعلان جهاد بر ضد مرهته بجانب دهلی که بدست مرهته افتاده بود پیشروی مینماید.

در این زمان قوای مرهته به رهبری راغونراو در جنوب قوای نظام را در سوم فیبروری م ۱۷۶۰ شکست میدهند. پیشوا پسر کاکای خود سادشيو راو بهاو را به صفت قوماندان عمومی قوای مرهته تعیین میکند تا به شمال رفته خطر افغانها را برای همیشه از هندوستان ختم نماید. (همانجا ص ۸۲).

### جنگ سوم پانی پت:

بهاو برخلاف راغونراو هیچ تجربه نظامی نداشت، او با قوای عظیمی پنجاه تا شصت هزار عسکر از دکن بجانب شمال هند حرکت کرد. بهاو دهلی را اشغال میکند که از لحاظ پرستیژ مهم اما از نظر سوق الجیشی نظامی مقابله با قوای افغانها کم ارزش میباشد. بعد از اشغال دهلی بهاو به هدف قطع راههای ارتباطی احمدشاه ابدالی با افغانستان بالای کونجپوره Kunjpora حمله میکند. اما برتری سواره نظام قوای ابدالی سبب شکست حمله بهاو شده در عوض راههای ارتباطی او با دهلی توسط قوای افغانها قطع شده از چهار جانب در محاصره قرار

میگیرند. بهاو از روی ناچاری با کندن خندقها خود را در منطقه تاریخی پانی پت در ۹۷ کیلومتری شمال دهلی محصور میسازد. شرایطی که قوای مرهته در آن قرار گرفت در نامه ای که بهاو به پونه بتاریخ شانزدهم ماه سپتمبر ۱۷۶۰م مینویسد معلوم است. او مینویسد:

"...کمبود شدید مواد در کمپ ما مشهود است. از بیرون هم کمی میسر نیست. شرایط ابدالی بهتر از ماست." (همانجا ص ۸۳)

ابدالی از روهیلخند که در کنترل نجیب الدوله بود مواد ارتزاقی دریافت میکرد و مواد تحت نظر یک افسر مشخص به عساکر توزیع میگردد. قوماندان قوای مرهته بهاو میدانست که بدون رسیدن قوای کمی او هرگز قادر به شکست صاعقه افغانها نخواهد بود. در ماه دسمبر سال ۱۷۶۰م پیشوا به قوماندان خود در پانی پت و عده اعزام قوای کمی نمود. بهاو در زمستان سال ۱۷۶۰م نا امیدانه در انتظار قوای کمی بود درحالیکه این قوا هرگز نرسید. بدین ترتیب در شب سیزدهم جنوری ۱۷۶۱م افسران مرهته در حال ناچاری از کمبود مواد غذایی برای عساکر خود و کمبود علوفه برای اسبها از بهاو قوماندان کل قوا تقاضا کردند تا امر حمله را بالای قوای ابدالی بدهد.

در اوایل صبح ۱۴ جنوری سال ۱۷۶۰م پیشقراولان اردوی افغانها به سر قوماندان اردو احمدشاه ابدالی از حرکت قوای مرهته بجانب صفوف افغانها اطلاع دادند. قوای احمدشاه ابدالی متشکل از ۴۱۸۰۰ سواره نظام و ۳۲۰۰۰ پیاده نظام روهیله بود که از جمله اینها ۲۸۰۰۰ سرباز منظم معاش خوار و متباقی سربازان غیر منظم بودند. ستراتیژی نظامی افغانها طوری بود که قوای سواره نظام منظم اول حمله میکرد و به تعقیب آنها قوای غیر منظم داخل جنگ میشدند. همانند بابر، ابدالی قوای خود را همانند یک قوس تنظیم نموده دو جناح راست و چپ او بمانند دو شاخ قوای او عمل میکردند. در مرکز در داخل قوس قوای مرکزی را تشکیل میدادند. قوای روهیله به قوماندانی حافظ رحمت خان، دوندی خان و بنگش خان جناح راست قوای افغان را تشکیل میدادند. اینها بزرگان روهیلخند بودند که با اعلان جهاد احمدشاه ابدالی برضد مرهته با قوای افغان در پانی پت یکجا شده بودند. در مرکز قوای وزیر شاه ولیخان قرار داشت. در جناح چپ قوای نجیب الدوله و شجاع الدوله قرار داشتند. بدین سان قوای مسلمانان هند در دو جناح قوای مسلمان افغان را که متشکل از عساکراقوام پشتون، بلوچ و تاجک بودند برای نبرد با قوای مرهته قرار داشتند. قوای توپخانه شتر نعل افغان در جلو همه قرار داشت. در صبح آنروز سوار بر اسب احمدشاه ابدالی در جلو صف اول رانده تمام واحد هارا تفتیش نمود و بعد از اطمینان از آمادگی امر حمله را صادر کرد. در عقب صفوف قوای احتیاطی قرار داشتند که مستقیماً زیر فرمان احمدشاه ابدالی قرار داشتند.

قوای مرهته شامل ۵۵۰۰۰ سواره نظام و پیاده نظام بود که تنها ۱۱۰۰۰ آنرا عساکر منظم معاشخور تشکیل میدادند. متباقی قوای مرهته را افراد غیر منظم مربوط به رهبران نیمه خود مختار تشکیل میداد که توسط آنها تعلیم دیده بودند. واحد های قوای مرهته مطابق تعامل هندیها در یک صف مستقیم تنظیم گردیده بودند. اکثر قوماندانهای قوای مرهته به اوامر قوماندان کل بهاو توجهی نداشتند.

جنگ به ساعت ۹ صبح با حمله سواره نظام قوای مرهته بالای قوای پیاده نظام ابدالی که قوای روهیله را تشکیل میداد آغاز گردید. قوماندان سواره نظام مرهته قبل از آمادگی پیاده نظام دست به حمله زد. این حمله بزودی با

شکست مواجه شد. عوامل شکست را مورخین عدم زره اسپان، ضعف بدنی اسپها بخاطر یکماه عطالت و کم علفی از یکطرف و موجودیت آتش قوای توپخانه شترنعل افغانها نوشته اند. با عقب نشینی قوای سواره نظام مرهته، قوای پیاده نظام جناح چپ مرهته با تفنگهای چقمقی لوله کوتاه خود در ساعت ۱۲ ظهر به حمله آغاز کردند اما بزودی معلوم شده که تفنگهای چقمقی لوله کوتاه آنها با تفنگهای چقمقی لوله دراز قوای روهیله که از سالهای زیاد به ساختن اینگونه تفنگها معروف بودند مقابله کرده نمیتواند. سر نتیجه قوای پیاده نظام مرهته در جناح چپ از جانب قوای پیاده نظام روهیله از هر طرف محاصره شدند و قوای سواره نظام آنها بعد از شکست حمله صبح حاضر به حمله نشدند.

در حالیکه اوضاع جناح چپ قوای مرهته وختم تر شده میرفت، بهاوو تصمیم گرفت خود اقدام نماید. او سوار بر فیل در زیر سایه یک درخت ام به بهترین قوای سواره نظام خود که "حضورات" نامیده میشد و توپچی سنگین خود هدایت داد تا بر مرکز قوای افغان حمله نمایند. جنگ شدیدی در مرکز جبهه که ۹ مایل طول داشت گرفت. در اوایل قوای مرهته به پیروزیهایی دست یافتند و دسته هایی از قوای شاه ولی خان شروع به عقب نشینی کرده به اوامر قوماندان خود اعتنا نمیکردند. هرگاه از وضاع به همین منوال دوام میکرد قوای مرهته قادر میگردد قوای افغان را شکست دهند. در عین زمان در هرج و مرج جنگ قوای مرهته دسپلین خود را از دست داده بودند و بهاوو قوماندان کل ارتباط خود را با واحد های اردوی خود از دست داده بود.

بیدلیل نیست که گفته اند سرنوشت پیروزی یا شکست جنگها بیشتر وابسته به زعامت، رهبری و تصمیم گیری قوماندان های آنها میباشد. در جنگ پانی پت که یکی از بزرگترین جنگهای عصر خود در جهان محسوب میگردد، نیز این امر از عامل مهم پیروزی قوای افغانها محسوب میگردد. احمدشاه ابدالی هرگز ارتباط خود را از جریان جنگ با قوماندانهای خود از دست نداد. از تمام واحدها در طول ۹ مایل جبهه جنگ گزارشها توسط خبرچیهای شتر سوار به او اطلاع داده میشد. وقتی احمدشاه ابدالی از عقب نشینی و فرار بعضی عساکر از جبهه مرکزی شاه ولیخان آگاه شد امر کرد تا ۲۰۰۰ نفر سرباز "نسقچی" به میدان بیایند. ۵۰۰ نفر آنها را به کمک قوای روهیله فرستاد و ۱۵۰۰ دیگر را به کمک قوای مرکزی شاه ولیخان. وظیفه نسقچیا آن بود تا سربازان و افراد فراری را هر جا دیدند فوراً بکشند. این عمل سبب شد تا قوای روهیله و قوای مرکزی شاه ولیخان دوباره نظم لازم را دریابند.

ساعت یک بعد از ظهر بود و آفتاب رو به غروب، در حالیکه قوای مرهته با استفاده از تمام قوای خود، به پیروزی های نسبی دست یافته بودند اما نتوانسته بودند قوای افغان را شکست دهند و امید کمک و رسیدن کدام قوای دیگر را هم نداشتند. در حالیکه احمدشاه ابدالی ۸۰۰۰ نفر قوای احتیاط خود را در دسترس داشت. احمد شاه هدایت داد تا قوای احتیاط به کمک شاه ولی خان در جبهه مرکزی بشتابند. با رسیدن این قوای تازه نفس شاه ولی خان بالای قوای بهاوو به حمله آغاز کرد و در عین زمان قوای جناح جنوبی نجیب الدوله به استقامت شمالی بالای قوای مرهته شروع به حمله کردند. با این دو حمله قوای مرکزی مرهته در هم ریختند. یکی از دلایل شکست و در هم ریختن قوای مرهته بیفایده گی توپچی سنگین آنها بود. این توپچی سنگین که برای در هم شکستن قلعه ها و حصار ها وسیله مناسب بود در میدان جنگ مانند پانی پت کاملاً بیفایده بود. وقتی قوا مجبور به عقب نشینی بودند قادر به کشیدن این توپها با خود نبودند و بسادگی بدست دشمن می افتادند. در حالیکه قوای افغان دارای

۲۰۰ عراده توپ شترنعل داشتند که بنام توپهای زنبورک نیز یاد میشدند. این توپها بالای شترهای باختری تیز رفتار حمل شده شترچی و توپچی بر شتر سوار میبودند. این توپها را به جانب نقاط خاصی از اردوی مرهته نشانه میگرفتند تا در صفوف آنها خالیگاه ایجاد کنند و وقتی خالیگاه ایجاد میشد افراد سواره نظام تازه نفس به آن خالیگاهها حمله میکردند و به این ترتیب قوای مرهته به واحد های کوچک از طرف قوای افغان محاصره شده ناپود میشدند. تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر قوای روهیله در جناح راست قوای جناح چپ مرهته را که در حال عقب نشینی بودند کاملاً ناپود نمودند. در مرکز قوای شاه ولیخان به حملات خود بالای قوای جناح مرکزی قوای مرهته بی امان ادامه میدادند و در عین زمان نجیب الدوله در جناح چپ قوای افغان بعد از شکست دادن جناح راست مرهته حملات بی امان خود را بالای جناح مرکزی قوای مرهته آغاز کردند. ناپودی قوای مرهته قطعی شد و زمانیکه شاه پسند خان یکی از قوماندانان قوای افغان بعد از عقب نشینی برخی از قوای مرکزی مرهته از عقب بالای جناح مرکزی مرهته حمله نمود. قوای بهاوو از چهار طرف در محاصره قوای افغان در آمده بود.

در این زمان احمدشاه ابدالی ۴۰۰۰ تیرانداز خود را به جبهه فرستاد تا از چهار طرف بالای قوای محاصره شده مرهته تیر اندازی نمایند. در ساعت ۴ بعد از ظهر هنوز ۲۰۰ سواره نظام در اطراف بهاوو قرار داشتند که یک شمشیر زن افغان سر بهاوو را از تنش جدا کرد. با کشته شدن بهاوو تمام مقاومت قوای مرهته تمام شد و تا غروب آفتاب عساکر افغان کار بقیه سربازان مرهته را نیز تمام کردند. در ظرف هفت ساعت قوای مرهته آنچه را در هفت سال بدست آورده بودند از دست دادند. باقیمانده قوای مرهته در شمال هند به جنوب چمبال عقب نشینی نمودند. از حدود شصت هزار تن اردوی مرهته تنها هفده هزار تن به خانه بر میگرددند (شووان چودری، سواراجه، ۶ دسمبر ۲۰۱۴).

### عواقب جنگ سوم پانی پت:

بعد از جنگ سوم پانی پت، هندوها پیشوا باجی راو را از مقام برکنار کردند در نتیجه او وفات نمود. بعد از این جنگ انگلیسها با خاموشی بنگال و آرکوت را اشغال کردند. یکی از درسهای جنگ پانی پت استفاده از توپچی و سپاه پیاده بود، در حقیقت جنگ پانی پت نقطه عطفی است از جنگهای عصر قرون وسطایی با جنگهای عصر حاضر بشمار میرود.

با ختم جنگ پانی پت با آنکه احمدشاه ابدالی به فرمانروای بی چون و چرای شمال هند مبدل گردیده بود اما او آرزوی ماندن در هند نداشت. موصوف ده هزار سرباز خود را در جنگ از دست داده بود. با یک فرمان از بزرگان هند هدایت داد تا شاه عالم ثانی به حیث پادشاه مغولی هند اطاعت نمایند. نجیب الدوله را به عنوان وزیر شاه عالم ثانی مقرر نمود. احمدشاه ابدالی با فرستادن یک مکتوب به پیشوای مراته از او خواست که از جنگ دست کشیده در صلح زندگی کنند. در این نامه که بتاريخ دهم فبروری ۱۷۶۰م به پیشوا ارسال شده بود نوشت که جنگ را او آغاز نکرده بود بلکه مجبور شد از خود دفاع نماید. (جی اس سردیسی، مراتی ریاست، جلد دوم، ریاست پیشوا دفتر لترز). متعاقباً احمد شاه به قندهار باز گشته پنجاب، کشمیر و بقیه مناطق پاکستان فعلی را مجدداً به قلمروهای دولت خود اضافه میکند.

بازگشت احمد شاه ابدالی به افغانستان بعد از پیروزی بزرگ از در جنگ سوم پانی پت چند دلیل دارد:

**اول -** احمدشاه ابدالی نگران امکان حمله شاه فارس به سرحدات غربی قلمرو خود بود. این عمل یکبار قبلاً واقع شده بود و او نمی خواست در حالیکه صدمات زیادی جنگ پانی پت بر پیکر اردوی او واقع کرده بود دوباره مجبور به جنگ با شاه فارس گردد. شاه فارس از اینکه ایالت خراسان غربی شامل قلمرو های احمدشاه ابدالی بود ناراضی بود؛

**دوم -** خبرهایی از ترتیبات مرهته برای حمله دوباره به شمال هند به گوش او رسیده بود و او نمیخواست به یک جنگ طولانی با مرهته مجبور گردد؛

**سوم -** احمدشاه ابدالی از قدرت روز افزون سیکها در پنجاب نگران بود و او نمیخواست قلمرو او توسط سیکها دوپارچه شود. برای او پنجاب، کشمیر و بقیه مناطق پاکستان فعلی کافی بود که شامل قلمروهای او باشد؛

**چهارم -** احمدشاه ابدالی میخواست دهلی را یک شاه دوست مغولی اداره کند. به همین مناسبت با یک فرمان پادشاهی شاه عالم ثانی را بر تحت شاهی مغولی برسمیت شناخت و یکی از اعضای فامیل شاهی مغولی را به زنی با پسر خود تیمورشاه انتخاب نمود. این بود تصویر بزرگترین جنگ قرن هژدهم در جهان.

### منابع و مأخذ:

میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، چاپ نهم، موسسه انتشارات عرفان، تهران سال ۱۳۶۹ هجری شمسی

• John C. Griffiths, *Afghanistan: A History of Conflict* (London: Carlton Books, ۲۰۰۱, ISBN ۱۸۴۲۲۲۰۹۷۹),

• *Story of Pakistan*, Shah Wali Ullah (۱۷۰۳-۱۷۶۲). Retrieved April ۱۹, ۲۰۰۸.

• Mountstuart Elphinstone, *An Account of the Kingdom of Cabul and its Dependencies in Persia, Tartary* (London: Longman, Hurst, Reese, Orme and Brown, and J. Murray, ۱۸۱۵).

• Kaushik Roy, *India's Historic Battles: From Alexander the Great to Kargil*, (Orient Longman, ۲۰۰۴),

• Shovon Chowdhury, *SWARJYA*, Dec. ۶, ۲۰۱۴.

میر محمد صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، چاپ نهم، موسسه انتشارات عرفان، تهران سال ۱۳۶۹ هجری شمسی

• John C. Griffiths, *Afghanistan: A History of Conflict* (London: Carlton Books, ۲۰۰۱, ISBN ۱۸۴۲۲۲۰۹۷۹),

• *Story of Pakistan*, Shah Wali Ullah (۱۷۰۳-۱۷۶۲). Retrieved April ۱۹, ۲۰۰۸.

- Mountstuart Elphinstone, *An Account of the Kingdom of Cabul and its Dependencies in Persia, Tartary* (London: Longman, Hurst, Reese, Orme and Brown, and J. Murray, ۱۸۱۰).
- Kaushik Roy, *India's Historic Battles: From Alexander the Great to Kargil*, (Orient Longman, ۲۰۰۴),
- Shovon Chowdhury, SWARJYA, Dec. ۶, ۲۰۱۴.

